

هنوز در شوک خبر واگذاری احتمالی ۵۶۰۰ هکتار از جنگل‌های هیرکانی بودیم که خبرهای مبهمی درباره واگذاری بخشی از دماوند آمد، تکذیب این خبر اما از ابهام‌ها کم نکرد

در دفاع از غول مرچله آخر



ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

یک سری از اخبار و اتفاقات آن قدر عجیب و غریبند که اگر آدم یقین نکند که خواب نمی‌بیند، باورشان واقعا سخت است. این چندروزه در حوزه محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور اخباری دست‌به‌دست می‌شود که حساسی نگاه‌ها را به

خودش جلب کرده و واکنش‌های مختلفی را برانگیخته است. یکی با تکه کاغذی، سندی از زمان قاجار قصد تصاحب پنج هزار و ۶۰۰ هکتار از جنگل‌های شمال کشور را دارد و دادگاه هم به نفعش رای صادر می‌کند. یک سازمانی هم معلوم

نیست در چه سازوکاری چشم طمع به قله دماوند دوخته است. انگار واقعا دیگر چیزی نمانده که به جان منابع طبیعی کشور افتاده‌اند و به اینها هم رحم نمی‌کنند. مگر می‌شود هزاران هکتار از اراضی ملی و جنگلی و بخشی از کوه یا به

قول مسئولان دامنه کوه را به نام شخص یا سازمان و نهادی زد؟ به هر شکل گویا این اتفاق افتاده و مثل همیشه غیرقابل اعتنا ترین و بی‌اهمیت ترین واکنش هم تکذیب‌هایی است که احتمالا برای گول زدن مخاطبان منتشر می‌شود.

حراج ۵ هزار و ۶۰۰ هکتاری جنگل‌های هیرکانی

بگذارید ابتدا از ماجرای پنج هزار و ۶۰۰ هکتار از جنگل‌های روستای آق مشهد ساری در استان مازندران شروع کنیم. چون حین آماده کردن مقدمات و محتویات این گزارش بودم که خبر دیگری در ارتباط با ماجرای وقف بخشی از دامنه کوه دماوند منتشر شد. طی چندروز گذشته فردی از اهالی مازندران پس از ۲۰ سال مبارست و پیگیری پنج هزار و ۶۰۰ هکتار از جنگل‌های بکر و بی نظیر هیرکانی در منطقه آق مشهد در شهر ساری استان مازندران را به نام خود می‌زند. این فرد که ادعا می‌شود با سندی مربوط به دوره قاجار در سازوکاری حقوقی این زمین‌ها را تصاحب کرده، حالا درصدد دریافت مجوز برای قطع درختان کهنسال و ارزشمند این منطقه است. براساس برآوردها حدود ۵۶۰ هزار اصله درخت کمیاب در این محدوده وجود دارند که این فرد با چنین اختیاری می‌تواند همه آنها را به نابودی بکشانند! این خبر و حواشی پس از آن باعث شد تا دلسوزان و فعالان محیط‌زیست و همچنین دانشجویان و مردم محلی به هرشکل برای بازگرداندن این مناطق به دارایی‌های ملی تلاش کنند، به‌رغم برخی اظهارات برای مثال وعده رئیس سازمان اوقاف مبنی بر اینکه با همکاری ریاست قوه قضائیه نسبت به وقف اعلام شدن آق مشهد، تجدیدنظر صورت گرفته و جنگل به بیت‌المال و منابع طبیعی برمی‌گردد، اما در واقعیت توافق گویا اتفاقات دیگری در جریان است. به‌رحال به ادعای مسئولان و متولیان این حوزه، این کار نه تنها غیرشرعی و خارج از عرف، بلکه غیرقانونی هم هست.



کوه دماوند را هم مال خودشان کردند!

همان طور که گفتیم، در حال جمع آوری اطلاعات در ارتباط با ماجرای جنگل‌های هیرکانی آق مشهد مازندران بودم که خبر دیگری همه را آشفته و دل‌نگران و البته متعجب کرد. آن خبر این بود: بخشی از کوه دماوند وقف شد. سرعت انتشار و دست‌به‌دست شدن این خبر آن قدر بالا بود که ابتدا فکر می‌کردیم شاید یک شوخی باشد، منتها این اتفاق نیز همچون ماجرای تراخ جنگل‌ها واقعتا داشت و واقعا سازمان اوقاف مالک بخشی از دامنه کوه دماوند شد. براساس اطلاعات موجود، موضوع قله دماوند از سال ۹۸ در دستور کار قرار گرفته است. از ۱۱ پلاک محدوده قله دماوند که متصل به قله است، ۱۰ پلاک چارنمایی و تثبیت شد. اداره اوقاف با اخذ رأی از دیوان عالی کشور و بدون توجه به نظرات سازمان جنگل‌ها و مراتع یک پلاک به عنوان موقوفه ثبت کرده است و این اتفاق شد آغازی بر یک جریان حاشیه‌ای و یک مطالبه عمومی برای جلوگیری از تراخ منابع ملی کشور. البته در این مورد ابتدا تکذیبیه‌هایی از سوی مسئولان منتشر شد و آنها با کمال این اتفاق وارد کردند، اما بعدتر مشخص شد این ماجرا واقعتا دارد. فقط گفتند چیزی از قله وقف نشده و صرفا بخشی از دامنه کوه در اختیار سازمان اوقاف قرار گرفته است. در واکنش به این اتفاق بی سابقه، کمیویرت کلاترئی، معاون محیط‌زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط‌زیست گفت که رئیس سازمان محیط‌زیست در واکنش به وقف بخشی از کوه دماوند نامه‌ای به ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه نوشته است.

در روزی که رئیس قوه دستور تشکیل شعب تخصصی رسیدگی به امور زمین را می‌دهند، این اخبار منتشر می‌شود!

کوه، جنگل و دریا و امثالهم به عنوان انفال تلقی شده و انفال دارایی‌های متعلق به عموم مردم و دولت است یعنی دولت به نمایندگی از مردم و جامعه مدیریت و مالکیت جنگل و کوه و دریا را برعهده دارد. پس اساسا ادعای مستگاه‌های دی ربط سیاسی، امنیتی کوه، دریا و آنچه متعلق به عموم مردم است و شخص اساسا هیچ مالکیتی نسبت به آن نداشته و ندارد، به لحاظ قانونی فاقد وجاهت است. کوهپایه‌زاده در ادامه با اشاره به این مساله که اتفاقات اخیر صرفا جنبه حقوقی ندارند و باید از وجوه دیگر هم به آنها توجه کرد، گفت: «نکته‌ای که مطرح می‌شود و به‌نظر می‌رسد بحث فراتر از موضوعات حقوقی است و دستگاہ‌های دی ربط سیاسی، امنیتی و نظارتی باید ورود کنند، اینکه در شرایط بسیار وخیم اقتصادی که مردم در تنگنا به‌سر می‌برند هم‌زمان با اینکه رئیس محترم قوه قضائیه در دادگاه لوسان حضور پیدایی کنند و آنجا اعلام می‌کنند بحث مبارزه با زمین‌خواری و کوه‌خواری جدی است و ما تازه آغاز راه هستیم و همان‌جا در دادگستری لوسان دستور تشکیل شعب تخصصی رسیدگی به امور زمین را می‌دهند، هم‌زمان بحث‌هایی در این خصوص رسانه‌ای می‌شود که بخشی از کوه دماوند وقف شده یا ۵۶۰۰ هکتار جنگل وقف شده است، به‌نظر می‌رسد موضوع طبیعی نیست یعنی ظاهرا اراده پشت پرده‌ای در جریان است که هم پأس، ناامیدی و نارضایتی مردم را در شرایط اقتصادی که در آن به‌سر می‌بریم تشدید کند و هم این پیام را بدهد که باوجود اراده جدی که دستگاہ قضایی برای مبارزه با فساد به‌خصوص در بخش

زمین‌خواری و کوه‌خواری دارد، متاسفانه به موازات آن اراده‌های دیگری مشغول هستند که این تلاش را برای مبارزه با فساد در این زمینه نام‌بگذارند، به‌خصوص قضیه زمانی حساس‌تر می‌شود و جای تأمل و تامل و حساس‌تری دارد که این اقدامات و شیطنت‌ها با استفاده از برخی باورهای عمیق مذهبی مردم که مورد احترام است، از جمله وقف و در پشت نقاب‌های قانونی صورت می‌گیرد. این حقوقدان در پایان افزود: «همین‌طور که مستحضر هستید، دماوند به‌عنوان نخستین اثر طبیعی ملی ثبت شده و نماد ملی و مظهر غرور و عزت و سمبل شرف و آزادگی ملت ماست، وقتی این موضوع منتشر می‌شود که قسمتی از دماوند وقف شد، شما ببینید چه اثر زیان‌بار خسران آفرینی بر غرور ملی، عزت ملی و حتی باورهای مذهبی ما دارد، چون در پرتو بحث وقف این قضیه مطرح می‌شود، به‌نظر می‌رسد در اینجا هم دادستان کل کشور به عنوان مدعی‌العموم باید ورود کرده و درخواست «خلاف بینه شرع» و «خلاف بین قانون بودن» این قضیه را خدمت رئیس محترم تقدیم کنند. هم‌رئیس قوه قضائیه با استفاده از صلاحیت و اختیارات قانونی خود در پرتو ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری می‌توانند موجبات اعاده دادرسی مجدد رسیدگی مجدد را فراهم کنند و هم از آنجا که حساب‌اطلاع شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور در خصوص جنگل‌های شمال نقض تحقیقات می‌گیرد و مجدد رسیدگی را تجویز می‌کند، با توجه به رویکرد جدید رئیس محترم دیوان عالی کشور بستر قانونی برای تجویز رسیدگی مجدد و جلوگیری از بروز یک خسارت

در گفت‌وگو با کارشناسان و صاحب‌نظران به بررسی ابعاد مختلف این شاهکارهای محیط‌زیستی پرداختیم تا شاید اتفاقی در جهت جلوگیری از این تراخ عظیم منابع ملی بیفتد. ابتدا رسول کوهپایه‌زاده، حقوقدان و وکیل دادگستری در گفت‌وگو با «فرهنگستان» به تشریح جنبه‌های حقوقی این نوع واگذاری‌ها و مالکیت‌ها پرداخت و گفت: «اولا مطابق ماده ۵۷ قانون مدنی اوقاف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند؛ یعنی اساسا وقف زمانی می‌تواند منشأ اثر قانونی باشد که وقف کننده به‌طور قانونی مورد وقف را در ملکیت و مالکیت خود داشته باشد. بر این اساس باید دید آیا وقف جنگل یا کوه می‌تواند مطابق با قوانین و مقررات موضوع دارای وجاهت قانونی باشد یا خیر. بر اساس قانون ملی شدن جنگل‌های کشور و آیین‌نامه مرتبط با آن مصوب سال ۱۳۴۱، اساسا جنگل‌ها، مراتع و بیشه‌های طبیعی را نمی‌توان وقف کرد؛ یعنی ماده یک آیین‌نامه قانون ملی شدن جنگل‌های کشور مصوب ۱۳۴۱ صراحتا اعلام می‌کند از تاریخ تصویب این آیین‌نامه عرصه و اعیانی کلیه جنگل‌ها، مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی کشور جزء اموال عمومی محسوب و متعلق به دولت است، ولو اینکه قبل از این تاریخ افراد آن را متصرف شده و سند مالکیت دریافت کرده باشند. بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی که مالکیت را در جمهوری اسلامی به سه‌بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می‌کند، به‌طور مشخص از آن استنباط می‌شود که اساسا دریا و کوه و جنگل متعلق به دولت است. از لحاظ مفاهیم و موازین فقهی و شرعی هم

نوادگان کوروش هم می‌توانند ادعا کنند اینها برای ماست؟!

بعد از کوهپایه‌زاده، محمد درویش، فعال و پژوهشگر محیط‌زیست در واکنش به این اتفاقات تلخ و عجیب زیست‌محیطی به «فرهنگستان» گفت: «در مورد پنج هزار و ۶۰۰ هکتاری می‌گویند یک سند بنجاح ۵۶۰ ساله‌ای پیدا شده که به استناد این سند قاضی حکم داده این به آن آقا می‌رسد، ماجرا این است که چطور می‌شود بر اساس بنجاح ۵۶۰ سال پیش ۵۶۰۰ هکتار جنگل به نام شما بوده است؟ این امر عجیبی است. اگر این‌طور باشد، یکی از نوادگان کوروش کبیر هم می‌تواند بگوید کل این مملکت به نام ما سند خورده و این هم مدرک آن است. وقتی جنگل‌ها را ملی اعلام می‌کنیم، قانونی که هنوز هم جمهوری اسلامی به رسمیت می‌شناسد، یعنی همه قوانینی که قبل از آن بوده از بین می‌رود. چگونه قوه قضائیه براساس سند ۵۰۰-۴۰۰ سال پیش حکم می‌دهد که اینجا مالک حقیقی دارد. این به‌نظر من پرسش برانگیز است، مضافا اینکه همه سازمان‌های مردم‌نهاد و همه تشکل‌های متخصص در محیط‌زیست و منابع طبیعی سازمان‌های متولی این حوزه یعنی سازمان جنگل‌ها مخالف این حکم هستند. قوه قضائیه وقتی می‌خواهد حکمی را صادر کند، باید نظر مردم و عرف جامعه را ببیند، بعد از این حکم وحدت رویه‌ای ایجاد می‌شود و بعدی‌ها هم می‌توانند به همین حکمی که دیوان عدالت اداری تأیید کرده، استناد کنند و بگویند ما هم چنین مدرکی داریم، پدر بزرگ ما هم چنین سندی دارد، مادر بزرگ ما هم این مطلب را گفته است و به این ترتیب تمام جنگل‌ها براساس حکم وحدت رویه از دست بدهیم. این می‌تواند بسیار خطرناک باشد. احتمالا از این اسناد زیرخاکی زیاد است و به‌نظر من آقای رئیسی باید به‌سرعت وارد عمل شود و این قاضی‌ها را باید گوشمالی دهد و اجازه ندهد چنین اتفاقی رقم بخورد. همه زحمت‌هایی که کشیده، به این ترتیب از بین می‌رود.»



چرا سازمان جنگل‌ها به مساله ورود نمی‌کند؟

درویش در ادامه با اشاره به تعلل سازمان‌های متولی در ایستادگی در مقابل چنین اتفاقاتی گفت: «سازمان جنگل‌ها اعمال ماده ۴۲۳ را انجام داده است و از قوه قضائیه خواسته این حکم را لغو کند منتهی زمانی حرف این سازمان‌ها شنیده می‌شود که پشتوانه داشته باشند. برای همین است که ما حمایت می‌کنیم تا این اتفاق بیفتد، اگر نه این سازمان‌ها در حدیک معاون وزیر هستند با یک نهیب به حاشیه می‌روند. الان هم سازمان جنگل‌ها می‌ترسد خیلی جدی وارد شود. به‌خاطر اینکه رئیس آن در قوه قضائیه پرونده دارد. هنوز سازمان جنگل‌ها رئیس ندارد بلکه سرپرست دارد. رئیس این سازمان آقای آقایی بود که الان پرونده قضایی دارد. امیدوارم همین کارهای رسانه‌ای و مطبوعاتی تبعات چنین احکامی را نشان دهند. مجمع تشخیص مصلحت نظام برای چه داریم؟ برای این داریم که ممکن است احکامی از نظر شرعی درست باشد ولی مصلحت نظام و جامعه نیست. فقه‌برای همین است که باید تشخیص دهیم این می‌تواند به ضرر تمامیت ملی و مایملک محیط‌زیستی کشور تمام شود و این ممکن است باعث تشدید زمین‌خواری شود، همان‌طور که مقام معظم رهبری بیان می‌کنند کسی حق ندارد یک درخت را قطع کند حتی به بهانه ساختن حوزه علمیه، چگونه حق دارد به بهانه امراه ۵ هزار و ۶۰۰ هکتار جنگل را بگیرد و چطور می‌خواهد از درآمد آن استفاده کند؟ این نقض غرض است. اصلا چنین موردی تاکنون سابقه نداشته است، یعنی هیچ وقت تاکنون قوه قضائیه در مورد جنگل‌ها چنین حکمی نداده است. این ۵ هزار و ۶۰۰ هکتار است و بسیار عجیب است. ما یک جنگلبانی به نام شهید ناصر پیروی داشتیم که زمین‌خوران می‌خواستند ۴۰۰ هکتار جنگل را به نام خود بزنند. آنها هم بنجاحی مدارک داشتند و این حاضر نشد موقوفت بکنند و سر او را با تیغ موکتبری بریدند چرا که حاضر نشد ۴۰۰ هکتار جنگل را در ماسال از دست بدهد. جنگلبان ماسال بود. الان ۵۱ هزار و ۶۰۰ هکتار به راحتی این کار می‌کنند.»

مدارکی داریم که نشان می‌دهد قبلا هم از این کارها شده است!

علی بابایی کارنامی، نماینده مردم ساری در مجلس شورای اسلامی در ارتباط با ماجرای وقف و تعیین مالکیت برای ۵ هزار و ۶۰۰ هکتار از جنگل‌های منطقه آق مشهد در استان مازندران به «فرهنگستان» گفت: «ماهنگی‌هایی در ارتباط با این منطقه از طرف اوقاف باید انجام شود. کارهای نظارتی هم وجود دارد. البته اشکال در این کار زیاد است ولی ما هم در مرحله بررسی هستیم. یعنی بخشی از مردم اطلاعات را در اختیار قرار دادند و ما در حال بررسی هستیم و نیاز است اطلاعات بیشتری به‌دست آوریم. این اتفاق اخیر هم قطعی نیست و در حال پیگیری است. اسناد و مدارکی به قوه قضائیه ارسال شده و ان‌شاءالله به این امر ورود پیدایی می‌کند و آن را فیصله می‌دهد. ما هم دنبال این هستیم که این اتفاق رخ ندهد. در بحث تولید و اوقاف در استان همیشه بحث داریم، مستندسازی‌هایی می‌شود و اتفاقاتی می‌افتد که خیلی طبیعی نیست. در همین ماجرای جنگل خود اوقاف هم مدعی است. خودشان سندسازی می‌کنند. در حوزه قوانین خارج از قواعد متولیان مستندسازی می‌کنند و می‌گویند من صاحب فلان جا هستم. برای گرفتن چنین جاهایی اقدامات زیادی شده است و جنگل‌های آق مشهد اولین و آخرین مورد نیست. این ماجرا به‌خاطر وسعت زیادی که دارد و حساسیت آن بالاتر است. مدارکی داریم که نشان می‌دهد قبلا هم چنین اتفاقی افتاده است. البته با ورود دستگاہ نظارتی حل و فصل شده است. در اینجا هم روزهای اخیر تعدادی از اهالی روستا مراجعه کردند و ما هم در حال بررسی هستیم تا به ما جواب بدهند و هر چه در کشور اتفاق می‌افتد سند براساس واقعیت و حقیقت قانون باشد و نباید خارج از قاعده باشد و این تفرکات خارج از قواعد اتفاق نیفتد. ان‌شاءالله پیگیری می‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم حق ضایع شود.»



برخی با حربه وقف اموال و منابع کشور را تغییر کاربری داده و مال خود کردند

در ادامه صحبت‌های تامل برانگیز نماینده مردم مازندران در مجلس شورای اسلامی، فرود شریفی از مسئولان سابق سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور به «فرهنگستان» گفت: «اصل داستان درست است و متاسفانه بخشی از جنگل‌های شمال را در اختیار فردی قرار داده‌اند، اما براساس فتاوی مراجع حاضر و مراجع گذشته جنگل و کوه قابل وقف کردن نیست ولی متاسفانه ضعف‌هایی در سازمان جنگل‌ها بوده و یک بی‌توجهی از سوی اشخاص ذی‌نفع بوده که ما را به این نقطه رسانده است. اگر بحث اوقاف را در زمینه کوه‌ها و جنگل‌ها و منابع طبیعی به رسمیت بشناسیم که وقف‌پذیر است اسناد وقف زیادی در کشور داریم که تقریبا چند بار کل کشور وقف شده است. مثلاً یک شاه یا حاکمی وقتی به قدرت می‌رسید یا احساس غلظ می‌گفت از کوه فلان تا کوه فلان وقف فلان جا باشد. برخی از این وقف‌ها وقف واقعا خارج شدن از يد اشخاص نبوده است. این وقف مشروط به شرایطی می‌شد که طرف با استفاده از حربه وقف این اراضی را در اختیار می‌گرفته و استفاده می‌کرده است. متاسفانه برخی از مدیران در سازمان جنگل‌ها بودند که تخصصی در بحث منابع طبیعی نداشتند و کارهایی انجام دادند که به ضرر منابع طبیعی شد. من نمی‌توانم اینها را نام ببرم، بحث وفادارستانی دارد که ارزش دارد آن کسانی که دلسوز منابع طبیعی هستند روی این وقت بگذارند و اشتباهاتی که انجام شده را اصلاح کنند که البته بسیاری از این اشتباهات با غرض نبوده است بلکه با جهل بوده است. نمی‌خواهیم اشخاص را محاکمه کنیم. نیت این است که روند‌های غلطی که منجر به نابودی منابع طبیعی کشور شده است و می‌شود را متوقف کنیم. این امر ارزش دارد و از جمله مباحث بسیار مهمی است که طی سالیان طولانی همیشه موضوع بحث بوده و در مقاطع مختلف مطرح شده همین موضوع بوده و از قبل این موضوع منابع طبیعی کشور را برخی اشخاص زرتک تحت این عنوان دست‌خوش تغییر کاربری کردند و تحت مالکیت خود قرار دادند.»

متولیان حوزه محیط‌زیست در انفعال کامل به‌سر می‌برند

که در مسائلی از این تیپ کار کارشناسی و تخصصی نیاز دارد، قدری کارشناسی شده رای صادر شود، در سطح بالای قوه قضائیه به کارشناسان معتمد سپرده شود و از زوایای مختلف این مساله را بررسی کنند و خوراکی را برای صدور رای قضات آماده کنند تا قضات همین‌طور براساس سند و مدرک رای صادر نکنند. به فرض من می‌توانم در یک زمانی چند شناسنامه داشته باشم. خیلی راحت این وجود دارد. برخی به راحتی اسم و عنوان را جعل می‌کنند و شناسنامه دیگری تهیه می‌کنند. آیا قضایی باید براساس آن شناسنامه من را بشناسد؟ خیر. اگر بحت دعوائی پیش آمد و کار به دعو اکسید باید استعمال بگیرد که این درست است یا خیر، مقام معظم رهبری اشاره داشتند که منابع طبیعی متعلق به همه است و باید همه از آن برخوردار باشند.»

دارد، یعنی وقتی احساس خود را بیلاق و قسلاقی می‌کردید می‌توانستید از این اراضی برای چرا استفاده کنید ولی این سند ملی و مالکیتی همانند آیرتمان واحد ساختمانی محسوب نمی‌شود. لذا در حوزه محیط‌زیست گله‌مند از این هستیم که سازمان حفاظت محیط‌زیست ما که مسئولیت مستقیم حفاظت از محیط‌زیست کشور را برعهده دارد و سازمان جنگل‌ها و مراتع که الان با سازمان محیط‌زیست همسوس شدند ورود کرده و موضع بگیرند. در بحث آتش‌سوزی به‌عنوان شخصی که انجام وظیفه کردم رقم و دیدم از حداقل‌ها هم برای اطفای حریق استفاده نمی‌کنند. از سوی دیگر یک عده هم در جنگل درخت قطع می‌کردند. آقای مسئول و متولی محیط‌زیست جنگل‌ها شما چطور راضی می‌شوید این اتفاقات رخ دهد. انتظار ما از دستگاہ قضا این است

ویلاسازی در لوسان موضع کامل انفعالی شده و خود را مخیر می‌دانند دست به هر اقدامی بزنند از جمله اینکه درخصوص واگذاری منابع طبیعی کسی از نوادگان شخصی خاصی سند ارائه نکند و اعلام مالکیت کند. این درست است ولی قانون چه می‌گوید؟ قانون این مالکیت را تأیید می‌کند؟ خیر. در بحث‌های زیست‌محیطی مساله خاص‌تر است و اصلا نباید اجازه صدور سند وجود داشته باشد و ندارد. اگر سندی صادر شده قطعا در آن خدشه وجود دارد و کاملاً می‌شود مسیر ابطال را طی کند. به یاد دارم مطلبی درخصوص دماوند بود، اراضی زیادی بود که یک سازمان دولتی من سند دارم. گفتیم این سند نیست بلکه این اجازه بهره‌برداری است. شما اجازه بهره‌برداری از این اراضی را در زمانی که ماموریت پرورش احشام از سوی دولت به شما داده شده بود،